

کتاب دانیال - شماره شصت و هشت

پرده برداری از پیام نبوتی باب هشتم کتاب حزقیال: قانون یکشنبه و ایام آخر

Jeff Pippenger

2024-02-01

باب هشتم کتاب حزقیال یکی از ساده‌ترین باب‌های نبوتی در کتاب مقدس است. این باب نقطه آغاز مشخصی دارد.

و واقع شد که در سال ششم، در ماه ششم، در روز پنجم ماه، وقتی در خانه خود نشسته بودم و مشایخ یهودا در برابرم نشسته بودند، دست خداوند یهوه در آنجا بر من فرود آمد. حزقیال ۸:۱

آن رؤیا در فصل یازدهم پایان مشخصی دارد.

پس از آن، روح مرا برگرفت و در رؤیا، به وسیله روح خدا، به کلدیه نزد اسیران برد. پس آن رؤیایی که دیده بودم از من برخاست. آنگاه هرآنچه را که خداوند به من نشان داده بود به اسیران بازگو کردم. حزقیال ۱۱:۲۴، ۲۵.

رؤیای باب هشتم در روز پنجم ماه ششم سال ششم آغاز می‌شود، تنها یک روز پیش از آنکه تاریخ با «۶۶۶» منطبق شود، و واقعاً رؤیا درباره قانون یکشنبه است که نشانه وحش است؛ وحشی که عددش، عدد «مرد گناه» است و نیز عدد پادشاهی هشتم که از آن هفت است. کسانی که بر عدد «۶۶۶» پیروز می‌شوند، مهر خدا را دریافت می‌کنند، و در باب نهم، مهر خدا بر قوم وفادار خدا در واپسین روزها نهاده می‌شود.

و دیدم نشانه‌ای دیگر در آسمان، بزرگ و شگفت‌انگیز: هفت فرشته که هفت بلای آخر را داشتند، زیرا در آنها خشم خدا به کمال می‌رسد. و دیدم چیزی مانند دریایی از شیشه، آمیخته با آتش؛ و آنان که بر وحش و بر تمثال او و بر نشان او و بر عدد نام او غلبه یافته بودند، بر آن دریای شیشه‌ای ایستاده بودند و چنگ‌های خدا را در دست داشتند. و سرود موسی، بنده خدا، و سرود بره را می‌خواندند و می‌گفتند: «ای خداوند، خدای قادر مطلق، کارهای تو بزرگ و شگفت‌انگیز است؛ راه‌های تو عادلانه و راست است، ای پادشاه مقدسان.» مکاشفه ۱۵:۱-۳.

اندکی پیش از بسته شدن مهلت (زیرا هفت فرشته با هفت بلای آخر در فصل بعد کتاب مکاشفه غضب خدا را فرو خواهند ریخت)، قوم خدا در روزهای آخر شناسایی می‌شوند. آنان بر چهار چیز به پیروزی دست یافته‌اند. واژه‌ای که به «پیروزی» ترجمه شده، به معنای «غلبه کردن» است. وفاداران بر وحش، تصویر وحش، نشان وحش و عدد نام او غلبه یافته‌اند. این پیروزی شامل این واقعیت نیز می‌شود که آنان می‌فهمند این چهار نماد نمایانگر چه هستند. تنها درصد بسیار اندکی از مردم می‌دانند که آن چهار نماد نبوی در واقع نمایانگر چه چیزی‌اند.

جهان پیش‌تر می‌دانست که نظام پاپی همان روسپی بابل در باب هفدهم است، اما چنان‌که کلام خدا نشان داده، در طول تاریخ ایالات متحده، فهم روسپی صور که با پادشاهان زمین زنا می‌کند، به فراموشی سپرده شده است. پیروزی بر وحش یعنی کلام حقیقت را به درستی تقسیم کردن تا دریابیم که وحش نبوت کتاب مقدس همان نظام پاپی است. در باب بعدی، اژدها، وحش و نبی کاذب جهان را به سوی هارمجدون می‌برند و وفاداران خدا در روزهای آخر باید بدانند آن سه قدرت کدامند.

و فرشته ششم کاسه خود را بر رود بزرگ فرات ریخت؛ و آب آن خشک شد تا راه پادشاهان مشرق آماده گردد. و سه روح ناپاک را که مانند قورباغه بودند دیدم که از دهان اژدها و از دهان وحش و

از دهان نبی کاذب بیرون آمدند؛ زیرا ایشان ارواح شیاطین اند که معجزه می کنند و نزد پادشاهان زمین و سراسر جهان می روند تا آنان را برای جنگ آن روز بزرگِ خدای مطلق گرد آورند. اینک چون دزد می آیم. خوشا به حال کسی که بیدار است و جامه خود را نگاه می دارد، مبادا برهنه راه رود و شرمش دیده شود. و آنان را در مکانی که به عبری هارمجدون نامیده می شود گرد آورد. مکاشفه ۱۳:۱۶-۱۶.

پیروزی بر وحش یعنی اینکه به درستی بفهمیم وحش کیست. فراز تازه نقل شده بر کسانی که بیدار می مانند و جامه های خود را نگاه می دارند برکت اعلام می کند، اما تا بلای ششم، دوران مهلت برای همه انسان ها به کلی پایان یافته است. هنگامی که میکائیل برمی خیزد، دوران مهلت بشر بسته می شود و سپس هفت بلای آخر ریخته می شوند. پس از پایان دوران مهلت، دیگر راهی برای تغییر جامه ها نیست، با این حال هشدار با بلای ششم همراه است. آن هشدار به داشتن درک درست از وحش پیش از بسته شدن دوران مهلت مربوط می شود، و اگر آن درک را نداشته باشید، پیش از پایان دوران مهلت، جامه عدالت مسیح را از دست خواهید داد.

کسانی که در فهم کلام دچار سردرگمی می شوند و از درک معنای ضد مسیح بازمی مانند، بی گمان خود را در جانب ضد مسیح قرار خواهند داد. اکنون دیگر وقتی برای آن نیست که ما با دنیا همزنگ شویم. دانیال در سهم خود و در جایگاه خود ایستاده است. نبوت های دانیال و یوحنا باید فهمیده شوند. آنها یکدیگر را تفسیر می کنند. آنها به جهان حقایقی می دهند که هر کس باید آنها را بفهمد. این نبوت ها باید در جهان شهادت دهند. با تحقق شان در این روزهای آخر، خود را تبیین خواهند کرد. مجموعه کرس، ۱۰۵.

اگر کسی دریابد که ضد مسیح پاپیت است، سرانجام در صف پاپیت قرار خواهد گرفت، یا همان گونه که یوحنا نوشت، برهنه راه خواهد رفت و شرم خود را آشکار خواهد کرد. پیروزی بر وحش یعنی درک این که وحش همان قدرت پاپی است و هر آنچه از قدرت پاپی آشکار شده است. کسانی که پیروز می شوند و می فهمند که پاپیت مرد گناه است، باید دریابند که تصویر پاپیت نمایانگر اصل ترکیب کلیسا و دولت است، به گونه ای که کلیسا مهار این رابطه را در دست دارد.

در کتاب دانیال، ساختار وحش، که آمیختگی کلیسا و دولت است، به عنوان «تعدی ویرانگر» نمایانده شده است. تعدی همان گناه است، و گناهی که وحش پاپی را شکل می دهد زمانی رخ می دهد که پادشاهان قدرت خود را به اقتدار پاپی تسلیم می کنند. با این کار مرتکب زناى روحانی می شوند که همان تعدی ویرانگر دانیال و تمثال وحش یوحنا است.

به دست آوردن پیروزی بر تصویر پاپی یعنی از طریق کلام خدا درک کردن این که ایالات متحده ابتدا این رابطه را برقرار می کند، آن را در قانون یکشنبه ای که به زودی خواهد آمد به تصویب می رساند، و سپس تمام جهان را وادار می کند همان رابطه را بپذیرد.

رابطه کلیسا و دولت که از سوی ایالات متحده بر زمین تحمیل خواهد شد، عبارت است از حکومت واحد جهانی (سازمان ملل متحد) که با پاپیت، در مقام قدرت کنترل کننده در این ترتیبات، وارد اتحاد می شود. غلبه یافتن بر تمثال وحش یعنی به واسطه کلام نبوی خدا فهمیدن اینکه تمثال وحش دقیقاً همین امور را نمایندگی می کند.

کسب پیروزی بر وحش و تصویر وحش، شامل درک نشان اقتدار وحش (پاپیت) است.

نشانه وحش، رعایت اجباری یکشنبه به عنوان سبت خداوند است. برای پیروزی بر این نشان باید درک کرد که عبادت روز یکشنبه، پرستش خورشید است و چیزی جز پرستش بت پرستانه بعث نیست. این پیروزی همچنین شامل این حقیقت است که هیچ کس تا وقتی این نشان به زور بر مردم تحمیل نشود،

نشانه وحش را دریافت نمی‌کند.

اما مسیحیان نسل‌های گذشته یکشنبه را نگاه می‌داشتند، به این گمان که با این کار سبت کتاب مقدس را حفظ می‌کنند؛ و اکنون در هر کلیسایی مسیحیان راستینی هستند، و اجتماع کاتولیک رومی نیز از این قاعده مستثنا نیست، که صادقانه باور دارند یکشنبه سبت تعیین شده از سوی خداست. خداوند صداقت نیت و درستی ایشان را در حضور خود می‌پذیرد. اما هنگامی که رعایت یکشنبه به موجب قانون اجباری شود و جهان نسبت به الزام سبت حقیقی آگاه گردد، آنگاه هر که فرمان خدا را زیر پا بگذارد تا از حکمی اطاعت کند که اقتداری فراتر از اقتدار رم ندارد، با این کار پاپیسم را بیش از خدا حرمت می‌نهد. او به رم و به قدرتی که آیین مقرر رم را به اجرا می‌گذارد ادای احترام می‌کند. او در حال پرستش وحش و صورت اوست. چون مردم آنگاه آیینی را که خدا آن را نشان اقتدار خود اعلام کرده است رد می‌کنند و به جای آن آنچه را رم به عنوان نشان تفوق خود برگزیده است گرامی می‌دارند، بدین وسیله نشان وفاداری به رم—«نشان وحش»—را می‌پذیرند. و تا وقتی که مسئله بدین‌سان آشکارا پیش روی مردم نهاده نشود و آنان به انتخاب میان احکام خدا و احکام انسان‌ها واداشته نشوند، کسانی که به تعدی ادامه می‌دهند «نشان وحش» را دریافت نخواهند کرد. نبرد عظیم، ۴۴۹.

کسانی که بر وحش، تمثال وحش و نشان وحش پیروز می‌شوند، باید بر عدد نام او نیز پیروز شوند. در دوره‌ای از تاریخ که فاحشه صور فراموش نشده بود، جهان پروتستان می‌دانست که پاپیت ضد مسیح است. آنان می‌دانستند که پولس، پاپیت را «آن شریر»، «مرد گناه»، «راز بی‌قانونی» و «پسر هلاکت» خوانده بود؛ «که مخالف است و خود را برتر از هر آنچه خدا خوانده می‌شود یا پرستش می‌شود می‌افرازد، به حدی که چون خدا در هیکل خدا می‌نشیند و خود را خدا می‌نمایاند.» اما اکنون فاحشه بزرگ صور به فراموشی سپرده شده است.

در روزگاران گذشته کاربردهای گوناگون ایروپسفی یا جماتریا وجود داشت که نشان می‌دادند عدد «۶۶۶» به طور نمادین نمایانگر پاپیت است. نمونه کلاسیک آن این است که بر کلاه اسقفی پاپ عبارت Vicarius Filii Dei نوشته شده است. Vicarius Filii Dei که به معنای «نایب پسر خدا» است، بنابراین به ادعای او مبنی بر نشستن در هیکل خدا و خدای بودن اشاره دارد. حروف لاتین Vicarius Filii Dei برابر با عدد ششصد و شصت و شش است.

وحش، که همان قدرت پاپی است، با شماره‌اش شناخته می‌شود و شماره‌اش «۶۶۶» است، اما مرد گناه در سال ۱۷۹۸ زخمی مرگبار خورد و به فراموشی سپرده شده است. در روزهای آخر آن زخم مرگبار شفا خواهد یافت، و شفا یافتن آن زخم مرگبار نشان می‌دهد که ایالات متحده نخست در کشور خود تصویر وحش را برپا می‌کند و سپس جهان را وادار می‌سازد که همان را انجام دهد.

تصویر جهانی وحش هم دوگانه است و هم سه‌گانه. از نظر نبوی دوگانه است، زیرا از ترکیب کلیسا و دولت ساخته شده، اما سه‌گانه است از آن رو که از اژدها، وحش و نبی دروغین تشکیل شده است. هنگامی که اتحاد سه‌جانبه همان قدرت‌هایی که جهان را به آرماگدون خواهند کشاند برقرار شود، آنان همان وحش خواهند بود، یعنی پادشاهی هشتم که از هفت است، و همچنین اتحاد سه‌جانبه پادشاهی ششم خواهد بود. عدد نام وحش در ایام آخر بار دیگر «۶۶۶» است، زیرا نمایانگر سه پادشاهی است که هر یک بخشی از پادشاهی ششم‌اند.

به دست آوردن پیروزی بر وحش، تصویر او، نشان او و عدد نام او یعنی فهمیدن معمای «هشتم از هفت است»، که راز باب دوم دانیال است؛ همان رازی که دانیال برای فهمیدنش دعا کرد. این بخشی از مکاشفه عیسی مسیح است که درست پیش از پایان مهلت، مهرش گشوده می‌شود، زیرا چنان‌که یوحنا گفت، «زمان نزدیک است.» از این رو، آنان که آن پیروزی را به دست می‌آورند، چنین تصویر

شده‌اند که با فرشتگانی هستند که بلاها را فرو می‌ریزند؛ زیرا ایشان درست پیش از پایان مهلت، به آن پیروزی، یا به فهم نبوی لازم، دست می‌یابند.

کسانی که درمی‌یابند که مکاشفه عیسی مسیح درست پیش از پایان مهلت مَهرش گشوده می‌شود و اینکه عدد «۶۶۶» عنصری از آن رؤیاست، از این نکته غافل نخواهند شد که رؤیای حزقیال در باب هشتم در روز پنجم (که روز پیش از روز ششم است)، در ماه ششم سال ششم آغاز می‌شود. تا پایان باب هشتم، بیست و پنج مرد در برابر خورشید سجده می‌کنند، و باب نهم کسانی را که مهر خدا را دریافت می‌کنند مشخص می‌کند.

زمینه رؤیا، نشان وحش و مهر خداست و رؤیا درست پیش از پایان مهلت فیض در زمان قانون یکشنبه، که عدد «۶۶۶» نماد آن است، گشوده می‌شود. اما پایانی از مهلت فیض که گفته می‌شود در ایالات متحده هنگام قانون یکشنبه رخ می‌دهد، پایان مهلت فیض برای همه انسان‌ها نیست؛ این پایان مهلت فقط برای ادونتیست‌های روز هفتم است.

این رؤیا چنان تصویر شده که در درون اورشلیم رخ می‌دهد؛ اورشلیم نماد کلیسای ادونتیست‌های روز هفتم است. هنگام قانون یکشنبه در ایالات متحده، ادونتیست‌های روز هفتم تنها گروهی هستند که، یعنی در همان‌جا و همان‌زمان، در برابر نور سبت پاسخگو شناخته می‌شوند.

اگر نور حقیقت بر شما عرضه شده، سبت فرمان چهارم را آشکار کرده و نشان داده که برای تقدیس یکشنبه هیچ مبنایی در کلام خدا وجود ندارد، و با این همه هنوز به سبت دروغین می‌چسبید و از تقدیس آن سبتی که خدا آن را «روز مقدس من» می‌خواند سر باز می‌زنید، نشان وحش را دریافت می‌کنید. این در چه زمانی رخ می‌دهد؟ — زمانی که از فرمانی اطاعت می‌کنید که شما را امر می‌کند در روز یکشنبه از کار دست بکشید و خدا را پرستش کنید، در حالی که می‌دانید در کتاب مقدس حتی یک کلمه نیست که نشان دهد یکشنبه چیزی جز یک روز کاری عادی است، شما به دریافت نشان وحش رضایت می‌دهید و مهر خدا را رد می‌کنید. اگر این نشان را بر پیشانی‌ها یا دست‌هایمان دریافت کنیم، داوری‌هایی که بر نافرمانان اعلام شده است ناگزیر بر ما فرود خواهد آمد. اما مهر خدای زنده بر کسانی نهاده می‌شود که سبت خداوند را از روی وجدان نگاه می‌دارند. ریویو و هرالده، ۲۷ آوریل ۱۹۱۱.

رؤیای باب هشتم تا یازدهم کتاب حزقیال، سیر تاریخی منتهی به پایان مهلت برای اورشلیم را مشخص می‌کند. این رؤیا چنان ترسیم شده که درست یک روز پیش از فرارسیدن عدد «۶۶۶» رخ می‌دهد، و باب هشتم شورشی فزاینده را در درون اورشلیم نشان می‌دهد که در نهایت با سجده کردن سران در برابر خورشید به اوج می‌رسد و بدین‌سان آنان نشان وحش را دریافت می‌کنند.

فصل نهم، نمایانگر فرشته‌ای است که از میان اورشلیم می‌گذرد (و بدین‌سان بر سیر تدریجی دلالت می‌کند) و پیش از فرشتگان هلاک‌کننده بر یک طبقه مهر می‌نهد؛ سپس آن فرشتگان همه کسانی را که آن مهر را ندارند هلاک می‌کنند. هر دو فصل بازتاب‌دهنده روندی تاریخی و تدریجی‌اند که به قانون یکشنبه می‌انجامد؛ جایی که یک طبقه در برابر خورشید سجده می‌کند و طبقه دیگر مهر خدا را دریافت می‌کند. آنگاه شریران از اورشلیم بیرون رانده می‌شوند، زیرا قانون یکشنبه شریران را از حکیمان جدا می‌کند.

مهرگذاری‌ای که در فصل نهم کتاب حزقیال نشان داده شده، همان مهرگذاری است که در فصل هفتم کتاب مکاشفه یوحنا نشان داده شده است.

اگر چنین صحنه‌هایی در پیش باشد، چنین داوری‌های سهمگینی بر جهانی گناهکار، پناهگاه قوم خدا کجا خواهد بود؟ چگونه تا زمانی که خشم سپری شود، در امان خواهند بود؟ یوحنا عناصر

طبیعت—زلزله، توفان و کشمکش سیاسی—را چنین می‌بیند که به دست چهار فرشته نگاه داشته شده‌اند. این بادهای تحت کنترل‌اند تا وقتی که خدا فرمان رها کردنشان را بدهد. همین، مایه ایمنی کلیسای خداست. فرشتگان خدا فرمان او را به‌جا می‌آورند و بادهای زمین را بازمی‌دارند، تا باد نه بر زمین بوزد و نه بر دریا و نه بر هیچ درختی، تا زمانی که بندگان خدا بر پیشانی‌هایشان مهر شوند. فرشته نیرومند دیده می‌شود که از مشرق (یا از طلوع خورشید) بالا می‌آید. این نیرومندترین فرشتگان مهر خدای زنده را در دست دارد؛ یعنی مهر او که تنها اوست که می‌تواند حیات ببخشد، که می‌تواند بر پیشانی‌ها نشان یا کتیبه‌ای بنگارد؛ کسانی که به آنان بی‌مرگی، حیات جاودان، عطا خواهد شد. همین صدای والاترین فرشته بود که اقتدار داشت به چهار فرشته فرمان دهد تا چهار باد را مهار کنند تا این کار انجام گیرد، و تا آنگاه که او فرمان رها کردنشان را بدهد.

کسانی که بر جهان، نفس و شیطان غلبه می‌کنند، از برگزیدگانی هستند که مهر خدای زنده را دریافت خواهند کرد. آنانی که دست‌هایشان پاک نیست و دل‌هایشان طاهر نیست، مهر خدای زنده را نخواهند داشت. کسانی که گناه را طرح می‌ریزند و آن را به‌جا می‌آورند، نادیده گرفته خواهند شد. تنها آنان که در پیشگاه خدا، در موضع کسانی قرار دارند که در روز عظیم کفاره ضدنوعی توبه می‌کنند و به گناهان خود اعتراف می‌نمایند، به رسمیت شناخته می‌شوند و به‌عنوان شایستگان حمایت خدا نشان‌دار خواهند شد. نام‌های کسانی که استوارانه چشم‌به‌راه و منتظر و مراقب ظهور نجات‌دهنده خویش‌اند — با اشتیاق و آرزومندی بیش از آنان که چشم‌به‌راه صبح‌اند — در زمره مهرشدگان به شمار خواهند آمد. کسانی که، با آنکه همه نور حقیقت بر جانشان می‌تابد و باید اعمالی درخور ایمانی که بدان اعتراف می‌کنند داشته باشند، اما فریفته گناه می‌شوند، در دل‌های خود بتان برپا می‌کنند، جان‌های خود را در برابر خدا تباه می‌سازند و کسانی را که با ایشان در گناه شریک می‌شوند می‌آلایند، نام‌هایشان از دفتر حیات محو خواهد شد و در تاریکی نیمه‌شب رها خواهند شد، بی‌آنکه در ظرف‌های خود روغنی برای چراغ‌هایشان داشته باشند. «برای شما که از نام من می‌ترسید، آفتاب عدالت طلوع خواهد کرد و شفا در بال‌های او خواهد بود.»

"این مهر کردن بندگان خدا همان است که به حزقیال در رؤیا نشان داده شد. یوحنا نیز شاهد این مکاشفه بسیار تکان‌دهنده بود. او دریا و موج‌ها را دید که خروشان بودند، و دل‌های مردم از ترس از کار می‌افتاد. او دید که زمین جنبید و کوه‌ها به میان دریا برده شدند (که به معنای واقعی کلمه در حال رخ دادن است)، آب آن خروشان و پرتلاطم بود، و کوه‌ها از خیزش آن می‌لرزیدند. به او بلاها، طاعون، قحطی و مرگ نشان داده شد که مأموریت هولناک خود را به انجام می‌رسانند." شهادت‌ها برای خادمان، ۴۴۵.

مهر شدن یک‌صد و چهل و چهار هزار نفر در مکاشفه، باب هفتم، همچنین در حزقیال، باب نهم، نمایانده شده است؛ و فرشته مهرکننده نیرومندترین فرشته است که از مشرق برمی‌آید. کسانی که هلاک می‌شوند و نام‌هایشان از کتاب حیات محو می‌گردد، چنین نمایانده شده‌اند که «در ظرف‌هایشان همراه چراغ‌هایشان روغنی ندارند». دو گروه در رؤیای حزقیال، باب‌های هشتم تا یازدهم، همان دوشیزگان دانا و نادان، متی، باب بیست‌و‌ینجم، هستند و از این‌رو ادونتیس‌اند.

"مثل ده دوشیزه در متی ۲۵، تجربه قوم ادونتیس‌ت را نیز نشان می‌دهد." مناقشه بزرگ، ۳۹۳.

خواهر وایت به‌طور مشخص اورشلیم رؤیای حزقیال را ادونتیس‌م می‌داند:

قوم حقیقی خدا، که روح کار خداوند و نجات نفوس را در دل دارند، همواره گناه را در ماهیت واقعی و گناه‌آلودش خواهند دید. آنان همیشه جانب برخورد صادقانه و بی‌پرده را با آن گناهی خواهند گرفت که به‌آسانی دامنگیر قوم خدا می‌شوند. به‌ویژه در کار پایانی برای کلیسا، در زمان مهر شدن آن یک‌صد و چهل و چهار هزار نفری که باید بی‌عیب در برابر تخت خدا بایستند، آنان

عمیق‌ترین احساس را نسبت به خطاهای مردمی خواهند داشت که خود را از آن خدا می‌دانند. این معنا به قوت در تمثیل پیامبر از کار نهایی، به صورت تصویر مردانی که هر یک سلاحی برای کشتار در دست داشتند، بیان شده است. یکی از ایشان جامه کتان بر تن داشت و دوات کاتب بر پهلو او بود. «و خداوند به او گفت: از میان شهر بگذر، از میان اورشلیم، و نشانی بر پیشانی مردانی بگذار که برای همه رجاساتی که در میان آن انجام می‌شود آه می‌کشند و می‌نالند.» شهادت، جلد ۳، ۲۶۶.

رؤیای حزقیال در فصل‌های هشت تا یازده، مستقیماً به تاریخ ادونتیسیم در آستانه و هنگام قانون یکشنبه می‌پردازد. این رؤیا دو طبقه عبادت‌کننده را که در درون اورشلیم (ادونتیسیم) هستند مشخص می‌کند و از نظر نبوی با مکاشفه عیسی مسیح که درست پیش از پایان مهلت فیض مهرگشایی می‌شود مرتبط است، زیرا نخستین اشاره‌هایش عدد «۶۶۶» را در نمادپردازی نبوی مطرح می‌کند. بدین‌سان یکی از چهار چیزی را شناسایی می‌کند که خردمندان باید در روزهای آخر بر آن پیروزی به دست آورند، و آن چهار چیز بخشی از نوری‌اند که به «هشتمی که از هفت است» تعلق دارد. کتاب مکاشفه فصل پانزدهم نیز تصریح می‌کند که کسانی که بر چهار جنبه نمادین نظام پاپی پیروز می‌شوند، سرود موسی و بره را می‌خوانند.

در آن روز اشعیا در باب بیست‌وهفتم می‌گوید که پارسایان ایام آخر سرود تاکستان را خواهند خواند؛ سرودی که بره هنگامی که در میان آدمیان می‌گشت آن را خواند و قوم برگزیده‌ای را که در حال کنار گذاشته شدن‌اند، در حالی که قوم برگزیده تازه‌ای در حال انتخاب شدن است، مشخص می‌کند. آن سرود را «خردمندان» ایام آخر در هنگام مهر کردن باب نهم حزقیال و باب هفتم مکاشفه می‌خوانند. رؤیای حزقیال در باب‌های هشت تا یازده بخشی از همان سرود است.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

قوم حقیقی خدا که روح کار خداوند و نجات جان‌ها را در دل دارند، همواره به گناه در ماهیت واقعی و گناه‌آلود آن می‌نگرند. آنان همیشه جانب برخورد وفادارانه و صریح با آن گناهانی را می‌گیرند که به‌آسانی دامگیر قوم خدا می‌شود. به‌ویژه در کار پایانی برای کلیسا، در زمان مهر نهادن آن یکصد و چهل و چهار هزار نفری که باید بی‌عیب در برابر تخت خدا بایستند، آنان عمیق‌تر از همیشه خطاهای قوم معترف به خدا را احساس خواهند کرد. این امر به‌گونه‌ای قاطع به‌وسیله تمثیل نبی از کار نهایی، در قالب مردانی که هر یک سلاح کشتار در دست داشتند، بیان شده است. یکی از ایشان جامه کتان بر تن داشت و دوات کاتب بر پهلویش بود. «و خداوند به او گفت: از میان شهر، از میان اورشلیم عبور کن و بر پیشانی مردانی که برای همه رجاساتی که در میان آن انجام می‌شود آه می‌کشند و می‌گیرند، نشانی بگذار.»

در این زمان چه کسانی در مشورت خدا ایستاده‌اند؟ آیا آنان‌اند که عملاً خطاها را در میان کسانی که خود را از قوم خدا می‌دانند توجیه می‌کنند و در دل‌های خود (اگر هم نه به‌طور آشکار) بر ضد کسانی که گناه را توبیخ می‌کنند زمزمه و گلابه دارند؟ آیا آنان‌اند که در برابر ایشان موضع می‌گیرند و با کسانی که بد می‌کنند همدلی می‌نمایند؟ نه، به‌هیچ‌وجه! اگر توبه نکنند و از کار شیطان (یعنی ستم بر آنان که بار خدمت را بر دوش دارند و حمایت از گناهکاران در صهیون) دست نکشند، هرگز نشان مهر تأیید خدا را دریافت نخواهند کرد. آنان در هلاکت عمومی شریران (که با کار پنج مرد حامل سلاح‌های کشتار به تصویر کشیده شده است) از میان خواهند رفت. به این نکته با دقت توجه کنید: کسانی که نشان خالص حقیقت را (که به قدرت روح‌القدس در آنان پدید آمده و با نشانی از سوی مرد کتان‌پوش نمایانده شده است) دریافت می‌کنند، همانانی‌اند "که برای همه رجاسات انجام‌شده در کلیسا آه می‌کشند و فریاد می‌کنند". محبت آنان به پاکی و حرمت و جلال خدا چنان است، و دیدگاهی بسیار روشن نسبت به نهایت گناه‌آلودی گناه دارند، که

همچون کسانی در عذاب، حتی در حال آه کشیدن و فریاد کردن، وصف می‌شوند. باب نهم حزقیال را بخوانید.

«اما قتل‌عام همه کسانی که به این‌سان تضاد گسترده میان گناه و پارسایی را نمی‌بینند و همچون آنان که در شورای خدا می‌ایستند و نشان را دریافت می‌کنند احساس نمی‌کنند، در فرمانی که به پنج مرد مسلح به ابزارهای کشتار داده شد، چنین توصیف شده است: 'در پی او از میان شهر بگذرید و بزنید؛ چشمتان دریغ نورزد و ترحم مکنید؛ پیر و جوان را به کلی بکشید، هم دوشیزگان، و هم کودکان خردسال و زنان را؛ اما به هیچ مردی که بر او نشان است نزدیک نشوید؛ و از مقدس من آغاز کنید.' شهادات، جلد ۳، ۲۶۶، ۲۶۷.»